



تیتراژهای امروز

پس از پهباد پیشرفته RQ170 ایران ۲ پهباد دیگر آمریکایی را شکار کرد

رونمایی از
پهباد صاعقه



گردو خاک
مدارس خوزستان
را تعطیل کرد

اقدامات شعاری دولت عامل خشکی هامون

احتمال مصادره ۲/۲ تریلیون دلار پول عربستان

بیوه آمریکایی
اولین شاکی سعودی

افت ۳۷۶۹ واحدی
بورس در ۶ ماه

روزنه

گندم ری تمام شد!

حسین قدیانی

چیست حرف حساب محرم؟! و هر سال از راه می‌رسد که چه پیغام دهد ما را؟! الا آن که زمامت ائمه کفر؟! الا آن که رهرو راه ابا عبدالله، درست حکایت امامش، لحظهای نابید راضی به سازش با یزیدیان باشد؟! مفاهمی از این دست اما تنها یک روی سکه پیام عاشورا به آیندگان است، لیکن پیام دیگری هم دارد عاشورا بدان شرط که از یزید نبریم از گندم ری نخورده! آن که فکر می‌کرد جنگ با مظهر حق، دنیایی هم در پی دارد و به درم و دینار نرسیده! آن که فکر می‌کرد خودشیرینی برای دشمن و بریدن سر اطفال سپاه حق، آسایشی در پی دارد! الان هم قصه همین است، به رفع تحریم در همان روز امضا یا اجرای فلان توافق نرسیده! آن که فکر می‌کرد با تخته کردن در هسته‌های، اصلاح می‌شود شیطان بزرگ! مگر نه آن است که ان‌شاءالله با نیست لغو همه تحریم‌های ظالمانه، حتی درون قلب مظهر بارز خودگفایی هم راضی به ریختن سیمان شدید؟! تحریم‌ها برداشته شد؟! یا به فهرست تحریم‌های قبلی، تحریم‌های جدید هم اضافه شد؟! شما اینجا و گیرم ناخواسته، نه فقط قلب راکتور اراک، که قلب هر ایرانی آزادی‌خواهی را شکستید، قلب ارمیتا و علیرضا را شکستید، قلب همکاران «شهریاری شهید» را شکستید، قلب اندیشمندان صنعت هسته‌های را شکستید اما در عوض، دشمن نه تنها وفای به عهد نکرد که رقم هنگفتی از سرمایه این ملت را هم بالا کشید! آن هم در دوره پسابرجام دوراهی که توهم زده بودید و مرتب ادعا می‌کردید رفتار و گفتار دشمن با ما خوب می‌شود! خوب شد؟! هسته‌های را که دادید رفت هیچ، حتی بر شعار «مرگ بر آمریکا» و نقش و نگار هنرمندان انقلابی بر در و دیوار شهر خرد گرفته‌اید! اینکه کردید هیچ، حتی اوج اعتراض خود به بالا کشیدن اموال ملت ایران توسط دولت آمریکا را محدود کردید به فرستادن ۲ تا ایمیل! اینکه کردید هیچ، ادبیات‌تان را هم با سران کاخ سفید، انجمنی و سرشار از تسامح کردید! اینکه کردید هیچ، هر چه فریاد داشتید، به جای دشمن، بر سر منتقد خیرخواه خود کشیدید! حتی حواله به دوزخش هم دادید! اینکه کردید هیچ، در نهایت بی‌خردی و بی‌تدبیری، بنا دارید خود با دست خود، شیرچه‌های دلاور ما...

ادامه در صفحه ۵

معاون اول رئیس‌جمهور در یافت‌کنندگان حقوق‌های کلان را تبرئه کرد

نجومی‌ها تخلف نکرده‌اند!



عکس: محمدپایانی/ایرنا

وی با اشاره به اینکه در دکترین نظامی، یکی از مباحث مهم، روشن شدن وضعیت خودی و دشمن است، عنوان کرد: نبرد ما با نظام سلطه ادامه دارد و فقط شکل جنگ و نوع تاکتیک‌ها تغییر کرده است. مقدم‌فر با بیان اینکه منطقه غرب آسیا، منطقه‌ای بسیار حساس و مهم چه از نظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و چه از منظر تاریخی و تمدنی است، افزود: امروز عمق استراتژیک ما با دور دست‌ها رفته و درگیری‌ها بر نبرد هوشمند یعنی ترکیبی از نبرد سالی نیمه‌سخت و نرم قرار داده است و متناسب با همین مساله جمهوری اسلامی نیز آمادگی مقابله را به صورت هوشمند در خود ایجاد کرده است. مشاور فرمانده کل سپاه در بخش دیگری از سخنانش با بیان اینکه ظهور و بروز انقلاب اسلامی، هندسه قدرت در جهان را تغییر داد، اظهار کرد: انقلاب ما که تکیه‌گاهش زمین است، موجب شد قدرت‌های شرقی و غربی با شکوفایی انقلاب، احساس نگرانی کنند؛ آنها به دنبال از بین بردن این انقلاب بوده و هستند و برای نابودی‌اش هر کاری می‌کنند. وی با اشاره به اینکه آنها برای مقابله با انقلاب اسلامی و تضعیف آن، فردی همچون «صدام» را تشویق کردند و به او فرمان دادند تا به ایران حمله کند، افزود: پیروزی ما در جنگ تحمیلی از آنجا که تمام قدرت‌ها به صدام کمک می‌کردند و عزم آنها این بود که از این طریق انقلاب اسلامی نوپا و گفتمان آن را که در تضاد با لیبرالیسم و مارکسیسم بود نابود کنند، وی با برشمردن ۷ رمز از رموز موفقیت‌آفرین جنگ گفت: تبعیت محض از ولی فقیه به عنوان نایب امام زمان، صبر و ایستادگی خانواده‌های شهید، حضور جوانان در جنگ و میدان دادن به آنها، مدیریت و روحیه انقلابی‌ای که رهبر معظم انقلاب تأکیدات ویژه‌ای روی آن داشته و دارند، حاکمیت معنویت و خدامحوری، نهراسیدن از اجتماع دشمن و نیز رهبری بی‌نظیر حضرت امام(ره)، رمزهای موفقیت ما در دوران جنگ تحمیلی بود.

مقدم‌فر با تأکید بر اینکه جنگ ما هنوز با دشمن تمام نشده است، تصریح کرد: اگر چه با قطعنامه ۹۸۸، جنگ تحمیلی ۸ ساله متوقف شد و افتخار ما این است که با عملیات نظامی و مقتدرانه سرزمین خود را از دشمن پس گرفتیم ولی جنگ با نظام سلطه تمام نشده و این راه تا زمانی که انقلاب اسلامی پایدار است، ادامه دارد.

تغییر دکترین دفاعی ایران

از «دفاع صرف» به «افزایش تهدید برای دشمن»

مقدم‌فر: امکان برنامه‌ریزی راهبردی را از آمریکا گرفتیم

اسلامی از بازدارندگی دفاعی پس از دوران دفاع مقدس، به «بازدارندگی دفاعی و تهاجمی» در وضعیت کنونی متحول شده است، این موضوع را سومین مولفه دکترین نظامی جمهوری اسلامی عنوان کرد و در توضیح بیشتر آن گفت: دکترین نظامی جمهوری اسلامی از افزایش آمادگی و توانمندی برای مقابله با تهدید دشمن، به افزایش قابلیت برای تهدید دشمن تغییر کرده، به حدی که امروز قدرت‌های زورگو از جمهوری اسلامی احساس تهدید می‌کنند.

وی تحول دیگر در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی را «تحول از جنگ کلاسیک به جنگ نامتقارن با دشمن در تمام ابعاد» توصیف کرد و با بیان اینکه دکترین دفاع نامتقارن ما ۳ سطح دارد، افزود: سطح الف، سطح تجهیزات است. در این سطح حربه‌هایی مانند قایق‌های تندرو جهت مقابله با تهدید ناوهای آمریکایی در خلیج فارس یا تولید انبوه موشک‌های دوربرد و میان‌برد برای هدف گرفتن پایگاه‌های آمریکا در منطقه با قلمرو رژیم صهیونیستی به جای موشک‌های قاره پیما در دستور کار قرار می‌گیرد. سطح ب، سطح کنشگران است و در این سطح جنگ از ارتش‌های کلاسیک به سطح گروه‌های نیابتی از طریق آموزش و سازماندهی گروه‌های جهادی و محور مقاومت در طول سالیان پس از انقلاب اسلامی تغییر می‌کند. این کارشناس مسائل راهبردی سطح سوم (ج) در دکترین دفاع نامتقارن را سطح «جغرافیا» عنوان کرد و ادامه داد: این مساله بدین معناست که عرصه رویارویی به‌خارج از مرزها منتقل می‌شود تا قلمرو سرزمینی این‌ترن برماند. مواجعه با دشمنان اسلام در عراق و سوریه برای جنگیدن در تهران، کرمانشاه، اصفهان و... است.

مقدم‌فر گزاره «اگر قوی باشیم، امن هستیم» را یکی از اصول بنیادین دکترین دفاعی جمهوری اسلامی توصیف کرد و با اشاره به اصل «نبرد هوشمند» به عنوان هشتمین رکن دکترین دفاعی ایران گفت: دشمن در گذشته گاهی به صورت نبرد سخت(مانند دفاع مقدس)، گاهی به حالت نیمه سخت(مثل تحریم‌ها، ترورها

راهبرد

مشاور رسانه‌ای فرمانده کل سپاه گفت با تدابیری که از سوی جمهوری اسلامی ایران در منطقه اتخاذ شد، امکان برنامه‌ریزی راهبردی را از آمریکا سلب کرده‌ایم و آنها که روزی به دنبال خاورمیانه بزرگ بودند، امروز عملاً بدون راهبرد و به صورت «کور» عمل می‌کنند.

به گزارش تسنیم، حمیدرضا مقدم‌فر، مشاور رسانه‌ای فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیست‌وششمین نشست ماهانه جامعه اسلامی مدیران ایران که با موضوع «دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با نظام جهانی سلطه» در پژوهشکده امام محمد باقر(ع) تهران برگزار شد، با اشاره به این نکته که برای اصطلاح «دکترین» تعریف استاندارد وجود ندارد، افزود: با این حال، معمولاً از این اصطلاح به مفهوم مجموعه‌ای از اصول بنیادی و نظریه‌های هادی(راه‌نما) برای طرح‌ریزی‌های استراتژیک و سیاستگذاری‌های دفاعی و نظامی استفاده می‌شود. وی در ادامه به برخی مولفه‌های اصلی دکترین نظامی جمهوری اسلامی در وضعیت کنونی اشاره کرد و گفت: اولین مولفه آن است که امروز هم دکترین نظامی از «ماهیت دفاعی» برخوردار است. مشاور رسانه‌ای فرمانده کل سپاه، دومین مولفه مهم دکترین نظامی جمهوری اسلامی در اوضاع کنونی را اینگونه روایت کرد: «محور اصلی دکترین نظامی جمهوری اسلامی، امنیت و بازدارندگی است که از طریق افزایش و توسعه توانمندی‌های دفاعی حاصل می‌شود». مقدم‌فر در توضیح بیشتر این مولفه گفت: امروز بازدارندگی معنای تکامل‌یافته‌تری نسبت به گذشته پیدا کرده است. بازدارندگی گاهی معادل مدیریت ادراک (Perception Management) تلقی می‌شود، یعنی اگر کشوری بتواند پیش‌فرض‌های ذهنی و ادراک طرف مقابل را تغییر دهد و گزاره‌های مورد نظر خود را در ساختمان ذهنی او جا دهد، می‌تواند برای او تصمیم‌سازی کند. امروز جمهوری اسلامی وقتی اعلام می‌کند «اگر حرکتی علیه نظام جمهوری اسلامی توسط دشمن صورت بگیرد، تمام منافع حیاتی آنها در تمام دنیا تهدید خواهد شد»، این در باور و ادراک نظام سلطه و قدرت‌های اقماری‌شان موثر بوده و به عنوان یک واقعیت، آنها را از اقدام نظامی علیه ایران بازمی‌دارد. مقدم‌فر در ادامه این بخش از سخنانش با بیان اینکه دکترین نظامی جمهوری

یادداشت امروز

عجب مرد هنرمندی!

امیر استکی

در ابتدا باید قویا تأکید کنیم ما همواره شکر گزار نعمت‌های خداوند رحمان هستیم و اگر می‌بینید شکرگوی دولت قدر قدرت و قوی شوکت یازدهم نیستیم از این رو نیست که خدای نکرده مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» هستیم، چرا که همانگونه که عرض شد تقریباً اطمینان کامل داریم هر روز و در چند مرتبه خداوند بخشنده را شکر می‌کنیم و خب! تعریف‌مان از نعمت هم همان چیزی است که سال‌های سال مسلمانان در سر داشته‌اند اما گویا باید تعریف‌مان از نعمت را عوض کنیم، همین‌جا و در اوایل نوشته یک معمای مهم را مطرح می‌کنیم که توجه به پاسخ آن به فهم معنای جدید نعمت، سود بسیار خواهد رساند. می‌گویید فردی کالایی را به قیمت ۱۰ هزار سکه می‌خرد و همان کالا را به قیمت ۵ هزار سکه می‌فروخت و از همین راه بعد از یکی- دو سال «میلیون» شد. حالا شما به ما بگویید که این تاجر بزرگوار چه کرد که با وجود فروش با ضرر کالای خود پس از چندی میلیون هم شد به طوری که می‌توانست مثلاً در جمع مردم حاضر شود و از آنها بپرسد که واقعا چرا خداوند را شکر نمی‌کنید همانگونه که من تاجر میلیون‌شده شکر می‌کنم؟! حقیقتا در عالم مادیات و مخصوصاً در این زمانه سوداگری، میلیون بودن جای بسی شکر دارد اما به واقع چرا عده‌ای یافت می‌شوند که شکر گزار نیستند؟ اما به نظر می‌رسد که یک جای کار می‌لنگد و باید به روشی دیگر به مساله نگریست، چرا که هنگامی که تعداد شکرناگزاران زیاد می‌شود، نمی‌شود بسادگی گفت آنها فقط یک عده انسان‌های ناراحت هستند که فقط با رفتن به ته جهنم در دشتان دوا می‌شوند، بلکه باید این احتمال را هم تقویت کرد که فی‌الواقع یک جای کار می‌لنگد. همانگونه که یک جای کار تاجر میلیون‌ر قصه ما می‌لنگد. به هر حال با خرید و فروش همراه با ضرر، آخر چگونگی می‌شود سود کرد و میلیون شد؟! پاسخ این است که حقیقتا چنین چیزی در عالم ممکن نیست. می‌شود ضرر داد و میلیون شد اما نمی‌شود ضرر داد و میلیون شد و این سود هم باشد. در اینجا باید نگاهمان را از زاویه‌ای دیگر به مساله بیندازیم که تاجر حقیقت چه شده است که پس از چند سال تاجر ما میلیون شده است؟

پاسخ گریه طنزآلود است ولی به کار حل این مساله می‌آید. تاجر معمای ما در بدو امر «میلیاردر» بوده است و پس از یکی - دو سال ضرر دادن تبدیل به یک «میلیونر» شده است. گرچه میلیون بودن خیلی چیز خوبی است ولی «تبدیل شدن از یک میلیاردر به یک میلیون» آن روی دیگر به خاک سپاه نشستن است.

بگذریم از اینکه تاجر ما می‌تواند وضعیت کنونی خود را به اهل و عیالش نشان دهد و بخواهد به خاطر میلیون بودن شکر گزار باشند اما قفل‌توان انسان‌های نرمال و به اصطلاح عقالم چیزی جز شکست نخواهد بود و تاجر قصه ما با همین مسیر ممکن است چند وقت دیگر بشود یک «تاجر ورشکسته»! ابتدای نوشته گفتم که باید تعریف‌مان را از نعمت عوض کنیم، ظاهراً اینکه با این همه ظرفیت انسانی و طبیعی و ملی در کشور هنوز به خاک سپاه نشسته‌ایم خود نعمتی است که شکر اندرشر بسی واجب است!

برجام در نظر ما ناسپاسان کفسور، از نوع همین تجار تاجر معمای‌مان است، چرا که امروز توانی آن آورده‌های آن را نشان می‌دهند و درخواست شکرگزاری و ذوق زدگی از مردم دارند. می‌گویید چه نوع نتیجه داده است ولی نمی‌گویید چه نوع نتیجه‌ای و به چه قیمتی؟ از این صحبت نمی‌کنند چه داده‌اند و چه گرفته‌اند، فقط از آن متاع ناچیز به‌دست آمده سخن می‌گویند و با قلدری و فرافکتی و خود دست‌اندر کاران سیاست خارجی و دولت فخمیه یازدهم آنچه قرار بوده است عملی نشده و به عبارتی تاکنون «تقریباً هیچ» عاید ما شده است، چه باید کرد؟

آیا این مقدار هم جایز نیست که لااقل متوجه باشیم باخت داده‌ایم و چیز دندان‌گیری عایدمان نشده است؟

ادامه در صفحه ۵